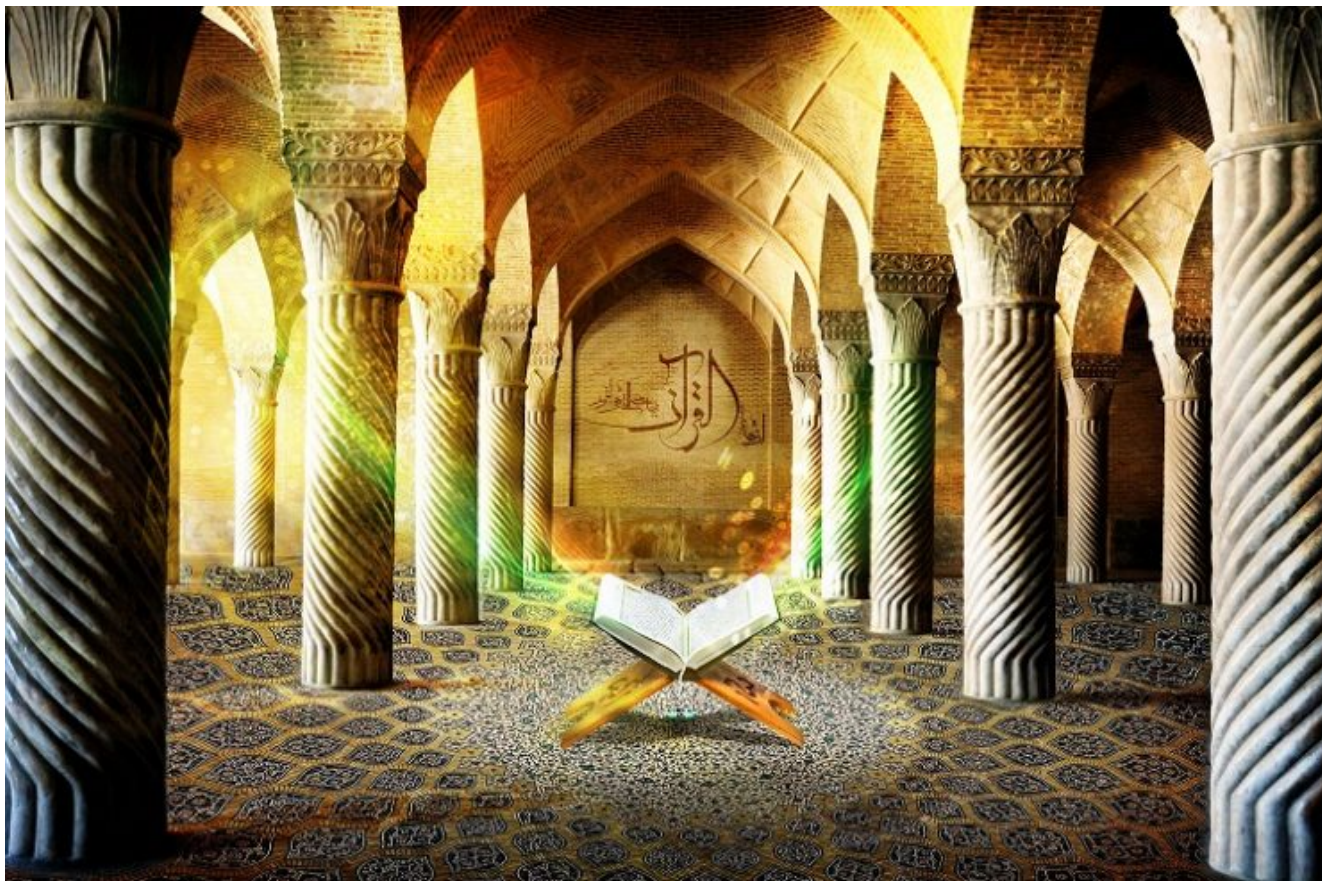




اعجاز قرآن و چگونگی تحدی آن

از نشانه ها و معجزات پیامبر خاتم (ص) که تا روز قیامت برقرار بوده و کاشف حقیقت می باشد سه مورد است. که عبارت اند از، عترت، کتاب و شریعت. در مورد عترت او علیهم السلام و شریعت، در مطالب آینده مفصل خواهیم گفت ان شاء الله.

اما کتاب او کتابی است در کمال فصاحت و بلاغت و حسن نظم، که مشتمل است بر اخبار غیب و شرح احوال انبیاء و امت های گذشته، و پند ها و امثال و حکم و بیان حلال و حرام و آداب به نیکوترین وجهی که در قلوب مؤثر است.

و همه این ها با وجود کوچکی حجم و کمی الفاظ به شیرینتر و بهترین عبارتی که ممکن است میباشد که مورد انکار هیچ منصفی نیست.

همچنین آیات آن در تنگیها و سختیها اسباب نجات و موجب برآوردن حاجات است به طوری که به وسیله آن تسخیر ارواح و ملائکه و شیاطین و شفای امراض و حفظ از شر دشمنان میکنند.

پس پیامبر صلی الله علیه و اله چنین کتابی را آورد و آن را بخدای قادر شاهد حکیم نسبت داد، و به آن جمیع جن و انس را تحدی فرمود به اینکه مثل يك سوره از آن بلکه يك آیه از آن را نمیتوانید بیاورید و خداوند ادعای او را میشنید و میدید و انکار بر او نفرمود و کسی را برنیانگیخت که مثل آنرا بیاورد (به [یه](#))

دلیل تسدید مراجعه شود). و این تحدی نه فقط مختص آن زمان بود بلکه پیغمبر (ص) اخبار بغیب کرده و فرمود که تا آخر روزگار احدی نخواهد آمد که مثل قرآن را بیاورد و خداوند هم تایید آن نموده است.

پس وقتی که ما تصدیق خداوند را دانستیم ایمان به او آوردیم و دانستیم که این کتاب حجت خداوند است بر او که دلالت بر صدق او میکند و اگر چه احاطه بجمیع وجوه اعجاز کتاب او نکرده ایم و ندانسته ایم همه را.

اما عجزی که از آن سخن میگوییم شاید برخی شبهه ها در آن وارد کنند، لذا به توضیح بیشتری نیاز دارد:

اول مردم را دسته بندی میکنیم تا ببینیم که میتواند و که نمیتواند:

پس عجم (ماسوای عرب) که عجز آنها واضح است، و میمانند اهل عرب که آنها نیز یا بی سوادند یا با سواد وعالم.

اما بیسوادهای آنها عجزشان ظاهر است چرا که قرآن کتابی ادبی و حکمی و علمی است و جهال عرب خالی از علم و ادب هستند.

اما ادباء و فصحاء عرب، آنها که صاحب علم و حکمتی نباشند، عجز آنها بدیهی است، چرا که الفاظ تابع معانی بوده و کلام هر شخص مطابق با میزان عقل و علم او است و هر کسی نمیتواند هر ترکیبی را صورت دهد، همانطور که جاهل نمیتواند مانند علما صحبت کند و حروف را طوری بچیند که بر مسائل علمی دلالت کند.

بنابراین اگر عربی در نهایت فصاحت نیز باشد نمیتواند مانند قرآنی را بیاورد که بر اساس عقل و علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده، و نهایت آنچه از فصحاء عرب نقل شده در مدح اسب و شتر است یا تعریف جمال یا شجاعت و از این قبیل معانی.

اما علم حکمت پیامبر (ص) را از آنچه که در بیان توحید و اسماء و صفات پروردگار است باید دانست، و از شریعت او که در سیاست مدن و تدبیر منزل و اصلاح نفس مانندی ندارد باید دانست و از اطلاع او بر سنن انبیاء و شرح احوال ایشان و شرایع ایشان دانست.

و کلام او کلامی است که مشتمل بر اسرار غیبیه و بیان احوال ملائکه و جن و انس و حیوان و نبات و جماد و اسرار مبدأ و معاد و حقایق ایجاد است که احادیث و اخبار مرویه از آن حضرت مشحون بجمیع اینها است و علم و حکمت او محل انکار احدی از مؤمن و کافر نیست.

و اعجاز دیگر آن اینکه این کتاب با کوچکی حجم تبیان همه چیز در آن گذارده شده و او است که دانایتر است بآنچه در این کتاب گذارده و روز بروز گنجهایی از علم از این کتاب استخراج میشود که پیش از آن نفهمیده بودند.

مرحوم کرمانی اع میفرمایند:

پس بدان که احدی مثل کتاب او نخواهد آورد و اگر از ملحدی عباراتی را بشنوی که مسجع و مقفا باشد و سبک آن شباهتی بقرآن داشته باشد گمان نکنی که مثل قرآن میشود.

هیئات نه هر عبارت عربی قرآن است و گمان مکن که عرب عاجز بودند از اینکه الفاظ عربی مسجعی را ادا بکنند زیرا که ایشان بر این کار از همه کس تواناتر بودند و لکن میدانستند که هر صاحب جمالی یوسف نیست.

پس ظاهر شد برای هر عاقلی که برای احدی ممکن نیست که مثل قرآن بیاورد زیرا که علم هیچکس به پیغمبر صلی الله علیه و آله نمیرسد و همین دلیل کفایت است.

متن فوق خلاصه و بخشی از بحث اعجاز قرآن کریم است و اگر بیان بیشتری خواسته باشید به کتاب شهاب ثاقب، ازهاق الباطل، ارشاد العوام و فطرة السلیمة باید مراجعه کنید.

همچنین اگر شبهه ای را وارد دانستید میتوانید در بخش دیدگاه های همین مطلب ذکر کنید.